



۲۰۱۳/۰۵/۱۸

عبدالعلی نور احراری

نقد ناشایست و نابایست آقای مسعود فارانی

برشعر و شخصیت مولانا عبدالرحمن جامی^۱ (رح)

بخش دوم

از آنجائیکه این نگارنده از دیر زمانی بدینسو در باره شرح حال و آثار حضرت مولانا عبدالرحمن جامی تحقیق نموده و کتاب "منشآت" یا "نامه های جامی" را بچاپ رسانده ام و این کتاب تجدید چاپ نیز شده است، و افغان ها مرا منحیث یک اخلاصمند حضرت جامی می شناسند - درین اواخر دوستی مرا متوجه ساخت که در ویبسایت (افغان جرمن آنلاين) مضمونی به عنوان "تفاوت شعر از نظم" بقلم جناب مسعود فارانی انتشار یافته است، بعد از خواندن مضمون مذکور اینک نظرات خود را پیرامون آن اظهار کرده عرض نشر به متصدیان محترم ویبسایت مذکور می فرستم. . . .

آقای فارانی ادعا می کند که تذکره نویسان در قرن نهم به "جامی دزد سخنوران لقب دادند"، ولی از یکی از این تذکره نویسان نام نمی گیرد، و به احتمال قوی تذکره نویس را با "ویراستار" که آقای هاشم رضی است و او بعضی سخنان مغرضانه در باره جامی گفته است، اشتباه گرفته است. آقای هاشم رضی مقدمه نویسن دیوان کامل جامی در صفحه ۲۲۷ نوشته است: "از سوی دیگر نسبت دزدی ادبی به مولانا داده اند و این نیز از آن روی می باشد که مولانا به استقبال شاعرانی همچون انوری، سعدی، حافظ، امیرخسرو، خاقانی، ظهیر فاریابی، کمال اصفهانی، نظامی، کمال خجندی و دیگر شاعران نامی بسیار رفته و بسیاری از غزل های شاعران نامبرده را جواب گفته یا تضمین نموده است. . . اینک برای نمودن شاهی در باره این روش و عقیده در باره جامی ابیاتی را که یکی از شاعران هم عصر مولانا به هنگام سفر حجاز او سروده، نقل می کنیم:

ای باد صبا بگو به جامی آن دزد سخن وران نامی
دزدیدی اشعار کهنه و نو از سعدی و انوری و خسرو

انگونه که در بالا ملاحظه شد، آقای هاشم رضی از هیچ یک تذکره نویسی نقل قول نیاورده، بلکه نظر شخص خود را ابراز کرده و برای اثبات نظر خود شعر یکی از مخالفین جامی را شاهد می آورد. سپس آقای هاشم رضی می نویسد: "جامی در دو مورد در دیوان و ضمن غزل ها باین موضوع اشاره کرده که این یک را بی تردید می توان در جواب کسانی بشمار برد که او را متهم به دزدی نموده بودند:

چو از تن تیر تو جان را بدزدد ز تیرت سینه پیکان را بدزدد
چو خواند شعر جامی را سخندان نه تنها شعر، دیوان را بدزدد

گفتنی است که هاشم رضی از یک غزل فقط دو بیت فوق را اقتباس کرده است. و در جای دیگر نیز جامی اشاره به دزدان معانی می کند که مترصد پیدایش و ظهور معانی نو و بکر می باشند تا آنها را به یغما برده و بر اسم خود سکه اش زنند:

لبت دل دزد و من از وی شکر دزد کم افتادست ازین سان دزد بر دزد
سر درج گهر مگشای (جامی) مبادا در کمین باشد گهر دزد

^۱ - نورالدین عبدالرحمن بن احمد به محمد معروف به «جامی» ملقب به «خاتم الشعراء» شاعر، موسیقی دان، ادیب و صوفی نامدار هرات افغانستان در قرن نهم قمری بوده که بتاریخ ۲۴ عقرب ۷۹۳ هجری شمسی (۲۳ شعبان ۸۷۱ هجری قمری) در شهر هرات افغانستان به دنیا آمده و در ۲۷ عقرب ۸۷۱ هجری شمسی (۱۷ ماه محرم ۸۹۸ هجری قمری) چشم از ج هان پوشیده است. انا لله و انا الیه راجعون

چون آقای هاشم رضی برای اثبات فرضیه اش از غزل جامی بیت اول و آخرش را انتخاب کرده و از بقیه آن صرف نظر کرده است، اینک اصل آن غزل را اقتباس می کنم:

لبت دزد و من از وی شکر دزد	کم افتادست ازین سان دزد بر دزد
ز چشم شست چشمت سرمه خواب	به عیاری برد کحل از بصر دزد
تنت را بنگرم دزدیده زانسان	که بر سیم کسان دوزد نظر دزد
اگر دزدیده ات بینم مکن عیب	که دزدی را نداند جز هنر دزد
غمت بر دل ز هر سو غارت آورد	درآمد خانه را از بام و بر دزد
هراسم شب به کویت از رقیبان	به شب ها از سگان دارد خطر دزد

سر درج گهر مگشای (جامی)
مبادا در کمین باشد گهر دزد

آقای هاشم رضی به خاطری غزل اول و غزل دوم مذکور را کاملاً نیاورده تا افراد سطحی نگر را اغفال کرده و این نکته را به اثبات برساند که شاعران معاصر جامی که به وی اتهام سرقت ادبی وارد می کردند، از اشعار جامی استنباط می شود. اگر کدام یک از تذکره نویسان چنین اتهامی می زدند، آقای هاشم رضی از آوردن آن دریغ نمی کرد و برای اثبات ادعای خود به شعر جامی استشهاد نمی نمود.



آرامگاه حضرت مولانا جامی در هرات افغانستان



مقبره حضرت جامی در هرات افغانستان

حال از آقای فارانی می شنویم که چگونه سخنان هاشم رضی را به حیث نظر خود آورده و از وی نامی نبرده است: "این لقب "دزد سخنوران" برای جامی از آنجا پدید آمد که جامی در سرودن اشعار خود به استقبال شاعران چون انوری، سعدی، امیر خسرو دهلوی، خاقانی، ظهیر فاریابی، نظامی گنجوی، ناصرخسرو یمگانی، عنصری، دقیقی و دیگر شاعران رفته و بسیاری از غزل های آنان را جواب گفته یا تضمین نموده است. تضمین ها اگر در خود ابتکار، ابداع نوآوری لازم را نداشته باشند، نوع مفت خوری و از حق دیگران برای خود افتخار کمایی کردن است و بس، به خاطری که ردیف، قافیه، وزن، و حتی تشبیهات و استعارات و تصویرها، متن موضوع همه تیار اند. ازین رو بر جامی اعتراض وارد بود. از آنجائی که جامی در خود قوه شاعرانه بسیار بلند داشت و به آن دقت نمی کرد، بالاخره حرف منتقدین زمانه وی را متوجه ساخته که باید از خود نوآوری ها و ابتکارات در شعر بیاورد تا از ناظم بودن به شاعر بودن ارتقا کند. در غیر آن مثل هزاران ناظم که بقول کوچه و بازار بیت بسته می کردند (منظور از نظم سازی بود فاقد شعریت) او نیز یک ناظم باقی می ماند. . ."

آنگونه که متن فوق ملاحظه می شود، نظرات هاشم رضی را آقای فارانی در مقاله خود آورده و بسا از همان الفاظ و کلمات و عبارات را به حیث نظر خود نقل کرده است. علاوهً مشکل در آنست که آقای فارانی در فهم معنی "تضمین" دچار اشتباه شده است. تضمین آنست که شاعر مصرع یا بیت یا ابیاتی را از شاعران متقدم در شعر خود می آورد. اگر آن شعر مشهور و شاعر آن شناخته شده باشد به ذکر نام شاعر متقدم نیازی نیست. و نه نام او را باید ذکر کند تا سرقت بشمار نرود. تضمین، یکی از صنایع شعری است و بسا شاعران اشعار قدما را تضمین کرده اند. چند مثال از تضمین هائیکه مولانا جامی کرده، در ذیل تقدیم می شود: از حافظ:

چو افتد مشکلی جامی بساقی گوی چون حافظ
الایا ایهاالساقی ادرکاسا و ناول ها

مولانای بلخی یا رومی گفته:

خوش تر آن باشد که وصف د لبران
گفته آید در حدیث دیگران

د پانو شمیره: له ۲ تره

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولئ. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

و جامی در مثنوی (سلامان و ابسال) بیت فوق مولانا را اینگونه تضمین کرده است:

نسبتی دارد به حال من قوی این دو بیت از مثنوی معنوی
"کیف یاتی النظم لی والقافیه بعد ما ضاعت اصول لعافیه
قافیه اندیشم و دلدار من گویدم مندیش جز دیدار من

نمی خواهم در باره گفته های آقای مسعود فارانی که تذکار یافت بیشتر تبصره نمایم. داوری را به خوانندگان میگذارم. جامی، آن نا بغه هر عصر و زمان، شاعری نیست که شعر دیگری را بدزدد. این شعر ذیل وی به ذات خود پاسخ دندان شکنی است برای کسانی که بر وی اتهام می زنند:

چرا از شعر لافد کس خصوصاً قالب شعری
که در قالب نباشد از دم روح القدس جانش

سرودن شعر برای مولانا جامی یک امر جبلی و غریزی بوده چنانکه در دیوان اشعار خود بدان اشاره می کند. جامی کسی نبود که بتوان بر او اتهام سرقت ادبی زد. بسیاری از معاصرین او خود را ریزه خوار خوان او دانسته و به وجود وی می بالیند و افتخار می کردند. جامی در خاتمه کتاب (بهارستان) این رباعی را چه زیبا سروده است:

جامی هر جا که نامه انشاء آراست
از گفته کس به عاریت هیچ نخواست
آنها که ز صنع خود دکان پرکالاست
دلالی کالای کسانش نه سزاست

اکنون دیوان کامل جامی و مثنوی های هفت اورنگ و سایر آثار منظوم او در دسترس همگان می باشد و دیوان های همه شاعران نیز موجود است. اگر کسی اتهام سرقت ادبی بر مولانا جامی می بندد، یک بیت از مولانا جامی را مثال بیاورد که این بیت را از فلان شاعر گرفته است، یا این بیت در فلان دیوان شعر قبل از مولانا جامی ثبت شده است. در غیر آن باید از این اتهامات ناروا به پیشگاه جامعه ادبی قلمرو زبان فارسی پوزش بخواهد و یا دم بندد و دیگر لب نگشاید.

قصد آن و وقت آن را ندارم که بر همه گفته های آقای مسعود فارانی تبصره نمایم، زیرا این پاسخگویی از حوصله یک مقاله بیرون است و رساله ای را ایجاب می کند. محض به بعضی از مطالب مندرج در مقاله آقای موصوف اشاره می رود:

می فرمایند: "وقتی شما مرثیه می سرانید موضوع سیاسی را در نظم می آورید..."
تبصره: مرثیه و موضوع سیاسی؟ مرثیه چطور موضوع سیاسی شده می تواند؟
می فرمایند: "زبان قلمروی است که تمامی زوایا و پست و بلندش بار بار کشف شده..."
تبصره: کشف فقط یکبار صورت می گیرد، نه بار بار! علوئاً زبان شناسان و انتروپولوژیست ها تا هنوز نیافته اند که زبان در کجا و چطور آغاز یافت!
می فرمایند: "ابهام در شعر ضروریست، چرا که شاعر تنها قصد معنی نمی کند..."
تبصره: ابهام (نه ابهام) یکی از صنایع شعری است، و آن لفظی است که دارای دو معنی باشد، یکی معنی نزدیک و دیگری معنی دور آن، یک مثال ابهام:

زگریه مردم چشم نشسته در خون است
ببین که در طلبت حال مردمان چون است

در مصراع اول، از لفظ (مردم)، (مردمک دیده) مراد است - و در مصراع دوم، مراد از (مردمان) (مردم) است. می فرمایند: "بعد ها ملاهای اسلامی و دیگران به این شیوه نیز روی آوردند. اینان البته از شعریت به فرسنگ ها دور بودند..."

د پانو شمیره: له ۳ تره

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولئ

تبصره: در جمله فوق، واضحاً نمونه ای از اسلام ستیزی نویسنده به مشاهده می رسد.
آقای محترم مسعود فارانی مقاله دور و درازش را با این حکایت پایان برده است:
"در نهایت عرض شود، روزی کسی نظمی را نزد جامی آورده و نظر وی را در آن مورد خواست. جامی بعد از خواندن در جواب گفت:
این کاروان نظم تو را اگر ریسمان شترهای آنرا باز کنم و شتران به کاروان های اصلی خود بروند، جز چند پاره ریسمان چیز دیگر از نظم شما باقی نخواهد ماند..."
در باره پاراگراف فوق چند سوال ایجاد می شود:

۱ -- معلوم نیست آقای مسعود فارانی از کدام مأخذ این حکایت را آورده است؟ باید مأخذ ذکر می شد تا صحت و سقم روایت تحقیق شده می توانست، خصوصاً که متن روایت واجد چنان سلاست و روانی نیست که از زبان مولانا جامی برآمده باشد.

۲-- نویسنده حکایت فوق اصلاً موضوع را نفهمیده و مطلب را درنیافته است. این حکایت را که نویسنده به جامی نسبت داده، اصلاً به شخص جامی ارتباطی نمی گیرد، بلکه جامی آنرا در کتاب (بهارستان) در روضه ششم از شاعری بنام (صاحب عباد) بدین گونه نقل قول می کند:

"مطایبه: شاعری پیش صاحب عباد قصیده ای آورد، هر بیت از دیوانی و هر معنی زاده طبع یک سخندانی، صاحب عباد گفت: از برای ما عجب قطار شتری آورده ای که اگر کسی مهار شان بگشاید هر یک به گله دیگر گراید. قطعه:

همی کردی به دعوی دی که باشد	به پیش شعر عذیم انگبین هیچ
ز هر جا جمع کرد چند بیتی	به دیوانت نینم غیر ازین هیچ
اگر هر یک به جای خود رود باز	به جز کاغذ نماند بر زمین هیچ

گفتنی است که من با نگارنده محترم آقای مسعود فارانی هیچ شناختی ندارم و ایرادات و اعتراضاتی که در نوشته من آمده متوجه مطالب مضمون ایشان بوده و نیاید به هیچ وجه بگونه دیگر تعبیر شود. البته این یکی از وظایف نویسندگان، بلکه از وجایب ایشان است که نگذارند حقایق کتمان و یا تحریف شود. از زمان حضرت جامی تا کنون که بیش از پنج قرن می گذرد، مخالفین جامی کوشیده اند بر او ایراداتی بگیرند و حتی تهمت های ناروا ببندند. ولی هیچ یک ازین ایرادات و اعتراضات جایی را نگرفته و نمی گیرد و با گذشت زمان مقام علمی و ادبی مولانا جامی بیش از پیش استحکام یافته و برقله شامخ علم و ادب و عرفان قلمرو زبان دری استوار است، و الحق یکی از ستارگان فروزان آسمان ادب می باشد.

آثار حضرت مولانا جامی (رح) که از آثار جاودانه و ماندگار زبان دری به شمار می رود، قلمرو زبان دری را در نوردیده و جهان غرب را به خود متوجه ساخته است. (لویی اراگون (Louis Aragon) یکی از بنیانگذاران مکتب (سورریالیزم) و شاعر مشهور فرانسه در قرن بیستم میگوید: "جامی! جامی! من پیکانی بودم و تو بازویی که کمان آنرا کشیدی، و نیرویی که مرا بر فراز توفان بسوی دلدار به پرواز در آوردی..." بنده در باره (لوی اراگون) مقاله ای مفصل در سالنامه (انجمن سالمندان افغان) واقع در کلفورنیای شمالی بچاپ رسانده ام.

پروفسور حامد (الگار)، یکی از بزرگترین استادان یونیورسیتی معروف (برکلی) در شمال کلفورنیا، به همین تازگی ها در باره مولانا (جامی) کتابی نوشته که به چاپ رسیده است. جامی ستیزی از زمان شاه اسماعیل صفوی که دشمن اهل سنت بود، یعنی بیست سال پس از مرگ مولانا جامی آغاز گردید و پیشرو این کار کسی بنام ملا

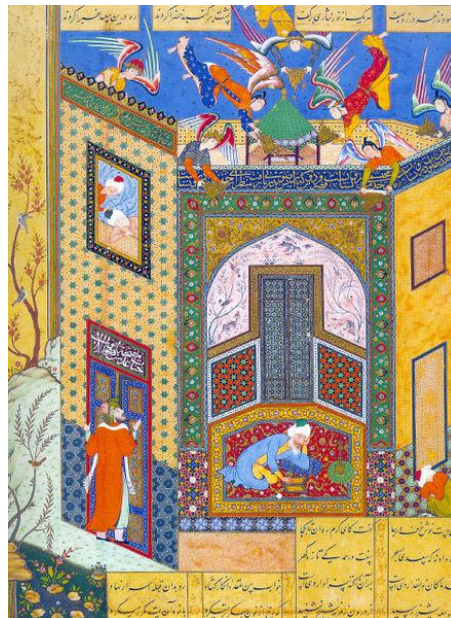
لوی ارگان شاعر و متفکر معروف و بنیانگذار مکتب سیور ریالیزم فرانسوی متولد سوم اکتوبر ۱۸۹۷ میلادی و درگذشت ۲۴ دسمبر ۱۹۸۲ اثر مشهورش: «دهقان پاریس و هفته مقدس» میاشد.

(مگس) بود. از آن زمان ببعده جسته و گریخته در قرون متمادی کسانی پیدا شدند که این روش را دنبال نمودند که یکی از آنها آقای نجیب مایل هروی است که خصومت و دشمنی را نسبت به حضرت جامی بحدی رسانده که حتی از تهمت ناروا به وی ابا نمی ورزد.

بنده در رد سخنان آقای نجیب مایل هروی مقاله مفصلی در سال (۲۰۰۵) در مجله (فرهنگ و ادب) که در ایران چاپ می شد به نشر رساندم که نسخه ای از آن در ضمیمه نامه ای به متصدی محترم پورتال وزین (افغان جرمن آنلاین) ارسال شده تا اگر لازم دانند آنرا نیز در یک فرصت مناسب به نشر رسانند.

مضمون دیگری زیر عنوان "از ملا مگس تا نجیب مایل هروی" نوشته ام که تا هنوز نشر نشده است. مطلب را به خاطری به درازا کشانیدم تا جناب مسعود فارانی و سایر کسانی که در باره حضرت جامی معلومات اندکی دارند، در زمینه توجه نموده زیر تاثیر نوشته های غرض آلود مخالفین مذهبی مولانا جامی قرار نگیرند. سخن (ادوارد براون) ادیب مشهور انگلیس را در باره حضرت جامی حسن ختام این مضمون قرار می دهم:

"غالب معاصران معروف، نام وی را به عزت و مرتبت و مقام او را چندان بلند دانسته اند که وی را مافوق مدح و وصف و مستغنی از نگارش ترجمه احوال شمرده اند." ۲۰۱۳/۰۵/۱۴ عبدالعلی نور احراری فریماننت - کلفورنیای شمالی



در بالا تصویر مینیاتوری ایرا از بهارستان جامی می بینید . قرن شانزدهم میلادی که در گالری «آرتیور ساکلی» در واشتینگتن نگهداری به دسترس بینندگان قرار دارد.

Abdul Ali Noor Ahrary
۳۸۷۸ Eugene Street - Fremont, CA ۹۴۵۳۰
Phone : (۵۱۰) ۶۵۶ ۲۶۷۸

د پانو شمیره: له ۵ تره

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکني د ليکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولئ